

نقش تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد هویت ملی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه یاسوج

* اصغر میرفردی
** عبدالله ولی‌نژاد

E-mail: a.mirfardi@gmail.com

E-mail: abdollahvalinejad@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۸

چکیده

این مقاله با هدف بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد هویت ملی دانشجویان دانشگاه یاسوج، با استفاده از روش پیمایش اجرا شده است. براساس فرمول لین، حجم نمونه ۴۰۰ نفر محاسبه؛ که با روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب و مطالعه شد. ابزار گردآوری داده‌ها نیز، پرسشنامه‌ای ۳۰ سؤالی، ترکیبی محقق ساخته و دیگران ساخته بوده که پس از تأیید اعتبار آن‌ها از سوی صاحب‌نظران، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (هویت ملی ۰/۸۸۸)، محاسبه و استفاده شد. نتایج نشان داد تفاوت معناداری در هویت ملی (کلی)؛ و ابعاد «سرزمینی»، «تاریخی» و «فرهنگی» آن در بین زنان و مردان پژوهش وجود نداشته است؛ ولی تفاوتی معنادار در بُعد «سیاسی» هویت ملی آنان وجود داشت.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، تفاوت جنسیتی، دانشجویان، یاسوج، ایران.

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، نویسنده‌ی مسؤل

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج



مقدمه و طرح مسأله

مفهوم هویت در جامعه‌شناسی، به اقدام افراد، در عنوان دادن به خود، به‌عنوان اعضای گروه‌های خاص، مربوط می‌شود (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۴). به نظر برگر، «مردمی که برای نخستین بار با یکدیگر آشنا می‌شوند، می‌کوشند به هویت رابطه‌ای دست پیدا کنند؛ یعنی نقطه‌ی مشترکی بیابند که وجه تمایز آن‌ها از دیگران باشد. این کار موجب می‌شود هر یک از افراد، نقش‌های جداگانه‌ای داشته باشند. در سطح بالاتر، وقتی مردم هویتی مشترک کسب می‌کنند، می‌توانند از این طریق به نوعی انسجام برسند» (هیس، ۱۹۹۸: ۲۰۲-۲۰۱). در بین سطوح هویت، هویت ملی در دنیای مدرن به دلیل تأثیر آن در بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی، اهمیت بسیاری دارد (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۳) و به این معناست که مردم همواره می‌خواهند بخشی از ملت خودشان باشند و به وسیله آن، شناسایی شوند (تامپسون، ۲۰۰۱: ۶۷). به دلیل اهمیت تفاوت‌های جنسیتی در بسیاری موارد از جمله فرهنگ (توکلی، ۱۳۸۲: ۳۱)، ساختار شغلی (نوروزی، ۱۳۸۳: ۱۶۵)، ارتکاب رفتارهای پرخطر (سلیمانی‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۳)، استفاده از ابزارهای اطلاعاتی (جوادی‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳)، رفاه ذهنی (مدیری و آزادارمکی، ۱۳۹۱: ۲۲۵)، اضطراب‌های روان‌شناختی (آدلمن و روگی، ۲۰۰۸: ۵۵۵؛ واینک و همکاران، ۲۰۱۴: ۱)، کاهش سطح خود شفقت‌محوری زنان نسبت به مردان (یارنل و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۹۹)، احساس حقارت زنان نسبت به مردان و بسیاری موارد دیگر، بررسی این تفاوت‌ها در هویت ملی شهروندان و به ویژه جوانان دانشجو نیز ضروری به نظر می‌رسد. از آن جایی که در شکل‌گیری هویت‌ها، عوامل بسیاری مانند فرهنگ، زبان، آرمان‌ها، ایدئولوژی و سنت به‌صورت هم‌زمان نقش دارند (منتظر قائم، ۱۳۷۷: ۴۵)؛ به نظر می‌رسد تفاوت‌های جنسیتی نیز بتوانند با ایجاد تفاوت‌هایی در نوع نگرش، جهان‌بینی و غیره بر انواع هویت، تأثیرگذار باشند. گیلیگان، شکل‌گیری هویت در دختران و پسران را در دوره‌ی جوانی، متفاوت از هم می‌داند (سفیری و معماریانی، ۱۳۸۹: ۷). از نظر اریکسون، هویت‌یابی در دو جنس، یکسان نیست (اریکسون، ۱۹۶۸: ۱۰۳). آرچر نیز بر این اعتقاد بود که جریان تحول هویت زنان، به‌صورت حفظ روابط با دیگران است؛ در صورتی که همین فرآیند در مردان، به‌صورت دوری از تسلط و حاکمیت دیگران صورت می‌پذیرد (آرچر، ۱۹۹۳: ۷۳)؛ تجربه‌های این مرحله (جوانی) از رشد که هم‌زمان با فرآیند هویت‌یابی (در گذر زمان) و رسیدن به تعریفی خاص و یکتا از خود است (آرچر و واترمن، ۱۹۹۰: ۹۶)؛ می‌تواند به‌طور مستقیم بر بقیه‌ی زندگی بزرگسالی اثر بگذارد

(اریکسون، ۱۹۶۸: ۹۱)؛ زیرا افراد در دوره‌ی جوانی می‌کوشند تا به خودمختاری و استقلال‌ی بیشتری دست یابند، تا بتوانند نقش‌های بزرگسالی را بپذیرند، روابط دوستانه و صمیمانه‌ی جدیدی شکل داده و حس هویت خود را تحکیم بخشیده، یا بازسازماندهی کنند (برک و دویس، ۱۹۹۵: ۳۴۷). بنابراین، شاید بتوان شکل‌گیری هویت ملی زنان و مردان را به‌خصوص در دوره‌ی جوانی، متفاوت در نظر گرفت.

جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای در حال گذار؛ و دانشگاه یاسوج نیز به‌عنوان دانشگاهی که بیشتر دانشجویان آن، بومی‌اند، نمونه‌ای از اجتماع در حال گذار است. جامعه‌ای که در فراز و فرود گذر از پیوندهای سنتی و تماس با حوزه‌ی ارتباطی نوین به سر می‌برد و هر دو بخش سنت و فضای زیستی با مناسبات نوین در حالت سیالیت و تثبیت‌نیافتگی قرار دارند. بر این اساس این تحقیق بر آن است که به بررسی نقش تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد هویت ملی دانشجویان پردازد. به نظر می‌رسد انجام این تحقیق برای تبیین سیمای تحولات هویتی در پرتو تحولات، به‌ویژه در حوزه‌ی فناوری‌های ارتباطی ضرورت داشته باشد. با توجه به افزایش سهم زنان در جمعیت دانشجویی در یک دهه‌ی گذشته، بررسی ویژگی‌های هویتی زنان و مردان دانشجوی، به شکل مقایسه‌ای ضرورت و اهمیت دارد. بافت نیمه‌سنتی استان کهگیلویه و بویراحمد و شرایط در حال گذار از سبک زندگی سنتی به زندگی شهری ضرورت انجام پژوهش‌های علمی در زمینه هویت را بیشتر می‌سازد.

سؤال‌های تحقیق

- ۱- آیا هویت ملی دانشجویان دانشگاه یاسوج، با توجه به جنسیت آن‌ها متفاوت است؟
- ۲- آیا ابعاد «سرزمینی»، «تاریخی»، «فرهنگی» و «سیاسی» هویت ملی دانشجویان دانشگاه یاسوج، با توجه به جنسیت آن‌ها متفاوت است؟

چارچوب نظری

هویت ملی، پدیده‌ای چندبُعدی است. در این تحقیق چهار بُعد «سرزمینی»، «سیاسی»، «تاریخی» و «فرهنگی» آن مد نظر قرار گرفته‌اند. میلر، چند ویژگی برای هویت ملی بیان کرده است: الف) ملت‌ها زمانی پدید می‌آیند که اعضا یکدیگر را به‌عنوان هم‌وطن بپذیرند و به این باور برسند که ویژگی‌های مشترکی دارند؛ ب) هویتی است که تداوم تاریخی را تداوم می‌بخشد؛ ج) هویت ملی، فعال است. ملت‌ها اجتماعاتی هستند که با



یکدیگر عمل می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و به نتیجه می‌رسند؛ د) هویت ملی، پیوند یک گروه از مردم به مکان جغرافیایی خاص است؛ ی) هویت ملی، مستلزم شراکت افراد در یک فرهنگ عمومی است (میلر، ۱۹۹۵: ۳۲-۲۹). وی تأکید می‌کند لازمه‌ی هویت ملی، این است که همه‌ی افراد، چیزی به اشتراک گذاشته باشند؛ حس تعلقی که افراد در کنار یکدیگر، به واسطه‌ی وجود آن خصوصیات مشترک، به یکدیگر دارند. میلر، آن چیز را «فرهنگ عمومی» مشترک می‌داند (میلر، ۱۹۹۵: ۲۵). پاردی و ویلس، هویت ملی را دارای بُعد هم فردی و هم جمعی می‌داند. در بُعد فردی، این نکته را که ما به‌عنوان افراد، چه کسی هستیم روشن می‌سازد؛ و در حالت جمعی، به ما کمک می‌کند که خودمان را در ارتباط با جامعه‌ی وسیع‌تر، تعریف کنیم (پاردی و ویلتس، ۲۰۰۷: ۶۷). استوارت هال، با در نظر گرفتن پدیده‌ی جهانی‌شدن به عنوان عاملی که می‌تواند هویت ملی را به چالش بکشد (هال، ۲۰۰۰: ۱۵)؛ بیان می‌کند از طریق تغییر ساختارها و فرآیندهای هماهنگ‌کننده‌ی زمان و فضا است که جهانی‌شدن می‌تواند قدرت تأثیرگذاری بر هویت ملی را دارا باشد (هال، ۲۰۰۰: ۱۵). در واقع، هال، هویت ملی را تحت تأثیر شرایط اجتماعی می‌داند. آنتونی اسمیت از نظریه‌پردازان دیگر هویت ملی، آگاهی ملی را جایگزینی برای این نوع هویت در نظر می‌گیرد؛ از نظر وی، تأثیر بازتولید ارزش‌ها، نمادها و سنت‌های به جا مانده از گذشتگان یک ملت نقش اساسی بر هویت‌یابی افراد دارد (اسمیت، ۱۹۹۱: ۹). از آرای وی بر می‌آید که برای فهم کامل هویت ملی باید تعادل بین اجزای آن رعایت شود؛ تعادل بین سطوح جمعی و فردی؛ و بین تداوم و تغییر هویت (اسمیت، ۱۹۹۱: ۹). کاستلز نیز با در نظر گرفتن رابطه‌ی تعارض‌آمیز میان ابعاد هویت جمعی، ضمن پذیرش وجود رابطه بین انواع هویت‌های قومی، ملی و فراملی؛ آن‌ها را در تعارض، تأثیر و تأثر بر یکدیگر قلمداد می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۸۴). گیدنز، نظریه‌پرداز دیگر در این حوزه، فرد را در جریان هویت‌یابی خود موجودی صرفاً منفعل و پذیرنده در نظر نمی‌گیرد؛ بلکه می‌گوید فرد در این فرآیند، به تفسیر هویت خویش می‌پردازد؛ گیدنز تأکید می‌کند که این تفسیر، بریده بریده و منقطع نیست، بلکه از اندکی ثبات و استمرار نیز برخوردار است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۶-۸۱). براساس آرای گیدنز می‌توان فرد را در جریان رشد هویت ملی‌اش نیز موجودی در نظر گرفت که به تفسیر هویت خویش مشغول است.

در نظریه‌های مربوط به تفاوت‌های جنسیتی؛ نظریه‌های زیست‌شناختی معتقدند تفاوت‌ها در عوامل زیستی (به‌دلیل جهان‌شمولی آن‌ها) نهفته است (مک‌کونل و چالک،

۱۹۹۲: ۲۲۳)؛ اما این دیدگاه مشخص نکرده است که این تفاوت‌ها دقیقاً نشأت گرفته از کدام عوامل زیستی‌اند. برخی نیز این تفاوت‌ها را ناشی از تفاوت میزان هورمون‌های جنسی در مردان و زنان می‌دانند (کامیار، ۱۹۸۹: ۳۳۰). گرچه این رویکرد، ممکن است طرفدارانی داشته باشد ولی یان رابرتسون بر این اعتقاد است که یافته‌هایی علمی مطابق با این رویکرد، محدود بوده و تفاوت‌های جنسیتی بر اساس این رویکرد را نمی‌توان به تمام جوامع تعمیم داد (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۲۷۹-۲۷۸). نظریه‌ی «زیستی - اجتماعی» بر این محور است که تأثیرهای اجتماعی، توانایی تغییر تمایلات زیست‌شناختی را دارند. این نظریه سرآغاز تأثیر نیروهای اجتماعی را واکنش متفاوت والدین به کودک در حال رشد، که کودک را به پذیرش نقش‌های جنسیتی سوق می‌دهند، می‌داند (شافر، ۱۹۹۳: ۵۰۳-۵۰۷). در نظریه‌های روان‌شناختی نیز دینرشتاین بر این اعتقاد است که کودک با احساسی دوگانه نسبت به مادر (و زنان) رشد می‌کند. به نظر وی، کودک مردد است که آیا مادر می‌تواند نیازهای روحی و جسمی‌اش را برآورده سازد یا خیر؛ بر این اساس، احساسی دوگانه از وی نسبت به مادر و زنان شکل می‌گیرد؛ احساسی بین لذت و رنج؛ بنابراین، مردان که نمی‌خواهند برای بار دیگر به زنان وابسته شوند، سعی می‌کنند آن‌ها را تحت کنترل خود درآورند. در مقابل، زنان نیز که از قدرت مادر در درون خودشان ترس دارند، سعی می‌کنند شرایطی به وجود آورند که به دست مردان کنترل شوند (تانگ، ۱۹۹۷: ۱۵۳-۱۵۱). چودورو، دیگر نظریه‌پرداز حوزه‌ی روان‌شناختی نیز ادعا می‌کند کودکان در نخستین مراحل جامعه‌پذیری، از هر دوی والدین خود همانندسازی می‌کنند، ولی در ادامه، پسران در پی دستیابی به هویتی مردانه خواهند بود؛ و دختران نیز در نیل به هویت زنانه به مادر خود وابسته خواهند بود (چودورو، ۱۹۹۷: ۳۸). نظریه‌ی «یادگیری اجتماعی» نیز قائل به سه مرحله در فراگیری رفتارهای جنسیتی است. در مرحله‌ی اول، کودکان دختر یا پسر، با والدین همجنس خود پیوند می‌خورند؛ در مرحله‌ی دوم، با والدین همجنس خود، همانندسازی می‌کنند؛ و سرانجام، مرحله‌ی اول و دوم منجر به رفتار زنانگی یا مردانگی خواهد شد (آلبرچت، ۱۹۸۷: ۱۵۶).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان از نظریه‌های هویتی میلر و گیدنز برای تبیین هویت؛ و از نظریه‌های زیستی - اجتماعی و روان‌شناختی برای تبیین موضوع تفاوت‌های جنسیتی در هویت ملی بهره‌گیری کرد. به بیان دیگر، نظریه‌های زیستی - اجتماعی هم به موقعیت اجتماعی و تجربه‌ها و تعاملات اجتماعی افراد و نقش آن در شکل‌گیری رفتار و هویت افراد و هم به تعدیل تفاوت‌های جنسیتی در پرتو تعاملات اجتماعی باور



دارند و از سویی نظریه‌های روان‌شناختی به صورت روشن به تفاوت‌های جنسیتی و برداشت کودک از این تفاوت‌ها در سیر رشد تکاملی پرداخته‌اند. بر این مبنا، می‌توان چنین فرض و استدلال نمود که هویت ملی به عنوان یک برآیند اجتماعی می‌تواند از زمینه‌های فردی و اجتماعی متأثر باشد و تفاوت‌های جنسیتی نیز به عنوان نوعی از تجربه و برآیند جامعه‌پذیری در جامعه، می‌تواند در زمینه‌های هویتی بازتابی شود. به بیان دیگر، می‌توان این گونه برداشت کرد که تفاوت‌های جنسیتی می‌توانند در هویت ملی افراد و هر کدام از ابعاد آن (با نظر به تعریف و ویژگی‌های هر یک از آن‌ها) نقش مهمی داشته باشند. البته باید اشاره کرد که توجه به جنسیت، صرفاً از منظر یک متغیر جمعیت‌شناختی نیست، بلکه به عنوان متغیری است که مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری احتمالی را با توجه به تفاوت‌های اکتسابی و غیراکتسابی در بر دارد. بُعد «سرزمینی» هویت ملی؛ اشاره به سرزمین مشترک در جغرافیای سیاسی مشخص و بُعد «سیاسی» آن به معنای احساس پذیرش و تعلق خاطر به مبانی ارزشی و نظام سیاسی برآمده از آن است که این پذیرش را جاری و محقق می‌سازد (گودرزی، ۱۳۸۱: ۳۰). در بُعد «تاریخی» آن، انسجام‌دهندگی و همانندسازی، کارکرد ویژه‌ی تعلق ملی است که فداکاری ملت را به عنوان یک سرمایه‌ی بزرگ، ضامن پیروزی، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال دولت‌ها در هنگامه‌ی جنگ و بحران داخلی و خارجی می‌نماید (رضوی‌دینانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). در بُعد «فرهنگی» نیز می‌توان گفت مفهوم ملیت و انسجام ملی، مستلزم ارزش‌های مشترک، احساس‌های مشترک و دلبستگی به نمادهاست (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۳). در هر کدام از این ابعاد هویت ملی، دو مفهوم تعلق و تعهد (به کشور و ملت) خودنمایی می‌کنند. مفاهیمی که مربوط به یک کشور و یا یک ملت بوده و هویت ملی، ناشی از آن‌هاست (کمالی‌اردکانی، ۱۳۸۳: ۱۱۲). بر این اساس و با توجه به هسته‌ی مرکزی و معنایی نظریه‌های تفاوت جنسیتی اشاره شده که بر تأثیر این تفاوت‌ها در هویت افراد اشاره داشتند، می‌توان این چنین در نظر گرفت که در ابعاد چهارگانه‌ی «سرزمینی»، «سیاسی»، «تاریخی» و «فرهنگی» هویت ملی نیز تأثیرگذار باشند. بنابراین، می‌توان از مباحث مطرح شده، این فرضیه‌ها را طرح کرد که به نظر می‌رسد تفاوت معناداری در هویت ملی و ابعاد آن در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی وجود داشته باشد.

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج از نظر هویت ملی با هم تفاوت دارند.
- ۲- به نظر می‌رسد دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج از نظر بُعد «سرزمینی» هویت ملی با هم تفاوت دارند.
- ۳- به نظر می‌رسد دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج از نظر بُعد «سیاسی» هویت ملی با هم تفاوت دارند.
- ۴- به نظر می‌رسد دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج از نظر بُعد «فرهنگی» هویت ملی با هم تفاوت دارند.
- ۵- به نظر می‌رسد دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج از نظر بُعد «تاریخی» هویت ملی با هم تفاوت دارند.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش پیمایش برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل کلیه‌ی دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ بوده که تعداد ۴/۱۹۵ نفر بوده‌اند. واحد آماری پژوهش نیز یک نفر دانشجوی دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ بوده است. براساس جدول لین (۱۹۷۶) و با در نظر گرفتن حجم جامعه، سطح معنی‌داری، میزان همگنی و میزان خطای معنی‌داری، حجم نمونه‌ی پژوهش، ۳۸۱ مورد برآورد شده است که برای افزایش دقت، به ۴۰۰ مورد ارتقاء یافت. روش نمونه‌گیری پژوهش نیز، نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چند مرحله‌ای بوده و نحوه‌ی نمونه‌گیری و گردآوری داده‌های پژوهش نیز به این صورت بود که پس از تعیین حجم نمونه براساس جدول لین، نسبت‌های هر دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت محاسبه شد. در مرحله‌ی بعد، به دانشکده‌ها مراجعه و به‌صورت تصادفی در بین دانشجویان هر دانشکده، پرسشنامه توزیع شد. پرسشنامه مورد استفاده نیز به شکل ترکیبی خودساخته و دیگران‌ساخته، شامل ۳۹ سؤال باز و بسته بوده است. برای سنجش متغیر هویت ملی (وابسته)، از پرسشنامه‌ی سفیری و غفوری (۱۳۸۸)، که مقدار آلفا برای متغیرهای بُعد «سرزمینی» ۰/۸۴، بُعد «سیاسی» ۰/۸۹، بُعد «تاریخی» ۰/۷۵ و بُعد «فرهنگی» ۰/۷۹ بوده، با اندکی دخل و تصرف استفاده شده است. در این پژوهش، از دو نوع اعتبار صوری و اعتبار



تجربی بهره‌گیری شده است. جهت تعیین اعتبار سازه‌ای پرسشنامه‌ی هویت ملی، از دو آزمون «کی ام او» و ضریب بارتلت استفاده شده، که مشخص شد در سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰)، میزان «کی ام او» و بارتلت دینداری به ترتیب (۰/۹۰۹) و (۴۰۴۰/۲۷۹) بوده است. جهت تعیین پایایی ابزار پژوهش نیز، برای شناخت میزان انسجام درونی گویه‌های متغیر هویت ملی از آلفای کرونباخ شده است. این ضریب برای متغیر هویت ملی (کلی) (۰/۸۸)؛ و برای ابعاد «سرزمینی»، «سیاسی»، «تاریخی» و «فرهنگی» به ترتیب (۰/۸۳)، (۰/۷۱)، (۰/۷۱) و (۰/۸۳) بود. پس از جمع‌آوری و گردآوری اطلاعات مورد نیاز و استخراج آن‌ها، داده‌ها جهت تجزیه و تحلیل، به نرم‌افزار «اس پی اس اس» انتقال داده و تحلیل یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه شد.

عملیاتی کردن متغیرها

هویت ملی: به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده‌ی سیاسی است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۱). پرسشنامه هویت ملی در این پژوهش، از چهار بُعد «سرزمینی» (۶ سؤال)، «سیاسی» (۶ سؤال)، «تاریخی» (۴ سؤال) و «فرهنگی» (۶ سؤال) تشکیل شده که گویه‌های آن، در سطح ترتیبی و در قالب ۲۲ گویه‌ی ۵ جوابی سنجیده شده است. روش نمره‌گذاری آن نیز به این صورت بوده است: کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱).

بُعد «سرزمینی» هویت ملی: در بین همه‌ی ملت‌ها، سرزمین مشترک در جغرافیای سیاسی امروز و تشکیل واحدهای مستقل سیاسی، به اندازه‌ای اهمیت یافته است که بررسی هویت ملی، بدون در نظر گرفتن آن، مطالعه‌ای ناقص خواهد بود. این بُعد از هویت ملی در قالب ۶ گویه‌ی ۵ جوابی سنجیده شده است.

بُعد «سیاسی» هویت ملی: تنها، تعلق قانونی یا فیزیکی به یک نظام سیاسی، بُعد «سیاسی» هویت را شکل نمی‌دهد، بلکه احساس پذیرش و تعلق خاطر به مبانی ارزشی و نظام سیاسی برآمده، از آن است که این پذیرش را جاری و محقق می‌سازد (گودرزی، ۱۳۸۱: ۳۰). این بُعد از هویت ملی در قالب ۶ گویه‌ی ۵ جوابی سنجیده شده است.

بُعد «تاریخی» هویت ملی: انسجام‌دهندگی و همانندسازی، کارکرد ویژه‌ی تعلق ملی است که فداکاری ملت را به‌عنوان یک سرمایه‌ی بزرگ، ضامن پیروزی، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال دولت‌ها در هنگامه‌ی جنگ و بحران داخلی و خارجی می‌کند

(رضوی‌دینانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). این بُعد از هویت ملی در قالب ۴ گویه‌ی ۵ جوابی سنجیده شده است.

بُعد «فرهنگی» هویت ملی: منظور از همگونی نیز وحدت و اشتراک در ارزش‌ها و احساسات مشترک بود. به همین دلیل، می‌توان گفت مفهوم ملیت و به همین‌سان، انسجام ملی، مستلزم ارزش‌های مشترک، احساس‌های مشترک و دلبستگی به نمادهاست (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۳). این بُعد از هویت ملی در قالب ۶ گویه‌ی ۵ جوابی سنجیده شده است.

یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های توصیفی پژوهش در جدول ۳، از میان ۴۰۰ پاسخگوی پژوهش، ۲۱۳ نفر (۵۳/۲۵٪) زن و ۱۸۷ نفر (۴۶/۷۵٪) مرد بوده‌اند. بیشترین نسبت پاسخگویان در مقطع تحصیلی را مقطع تحصیلی کارشناسی با ۷۶/۲۵ درصد (۳۹/۵ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۳۶/۷۵ درصد از کل پاسخگویان مرد)؛ و پس از آن، مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد با ۱۹ درصد (۱۱/۵ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۷/۵ درصد از کل پاسخگویان مرد)؛ و در آخر، مقطع تحصیلی دکتری با ۴/۷۵ درصد (۲/۲۵ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۲/۵ درصد از کل پاسخگویان مرد)، تشکیل داده است. از لحاظ پایگاه اجتماعی - اقتصادی نیز، ۱۵/۷۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین (۶/۵ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۹/۲۵ درصد از کل پاسخگویان مرد)؛ ۶۸/۲۵ درصد از آن‌ها دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط (۳۶/۲۵ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۳۲ درصد از کل پاسخگویان مرد)؛ و ۱۶ درصد باقیمانده نیز دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا (۱۰/۵ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۵/۵ درصد از کل پاسخگویان مرد) بوده‌اند. دانشجویان بومی ۶۱/۸ درصد (۳۲ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۲۹/۷۵ درصد از کل پاسخگویان مرد) و غیربومی‌ها نیز ۳۸/۲ درصد (۲۱/۲۵ درصد از کل پاسخگویان زن؛ و ۱۷ درصد از کل پاسخگویان مرد) از کل پاسخگویان را تشکیل داده‌اند.

براساس نتایج به دست آمده در جدول ۱، نمره‌ی هویت ملی ۱۴/۶٪ از زنان در حد پایین، ۶۹٪ در حد متوسط و ۱۶/۴٪ درصد نیز در حد بالا بوده است. همچنین، ۱۲/۳٪ از مردان دارای نمره‌ی هویت ملی پایین، ۷۵/۹٪ دارای نمره‌ی هویت ملی متوسط و ۱۱/۸٪ درصد نیز دارای هویت ملی بالا بوده‌اند. نمره‌ی ابعاد هویت ملی پاسخگویان با توجه به جنسیت آن‌ها نیز در این جدول آمده است.



جدول ۱: درصد میزان هویت ملی و ابعاد آن در بین پاسخگویان، با توجه به جنسیت آن‌ها

متغیر هویت ملی و ابعاد آن	پایین	متوسط	بالا	کل
هویت ملی (کلی)	زنان	٪۱۴/۶	٪۶۹	٪۱۰۰
	مردان	٪۱۲/۳	٪۷۵/۹	٪۱۰۰
بُعد سرزمینی	زنان	٪۱۲/۲	٪۶۹	٪۱۰۰
	مردان	٪۱۲/۸	٪۷۲/۷	٪۱۰۰
بُعد سیاسی	زنان	٪۱۲/۷	٪۷۴/۲	٪۱۰۰
	مردان	٪۱۵	٪۷۴/۹	٪۱۰۰
بُعد تاریخی	زنان	٪۱۰/۸	٪۶۶/۷	٪۱۰۰
	مردان	٪۸	٪۶۹/۵	٪۱۰۰
بُعد فرهنگی	زنان	٪۱۸/۳	٪۵۴/۹	٪۱۰۰
	مردان	٪۱۲/۸	٪۶۱/۵	٪۱۰۰

یافته‌های استنباطی

از آن جایی که در تحقیقات اجتماعی، مشخصات فردی، اقتصادی، اجتماعی و غیره عواملی مهم و مؤثرند؛ ابتدا نتایج فرضیه‌های جمعیت‌شناختی پژوهش ارزیابی می‌شوند. سطوح معناداری (۰/۶۱۵)، (۰/۱۰۴)، (۰/۹۸)، (۰/۴۱۶) و (۰/۳۲۵) مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد هیچ‌گونه تفاوت معناداری به ترتیب در هویت ملی (کلی)، بُعد «سرزمینی»، بُعد «سیاسی»، بُعد «تاریخی» و بُعد «فرهنگی» هویت ملی زنان و مردان پژوهش با توجه به بومی و غیربومی بودن آن‌ها وجود نداشته است.

جدول ۲: مقایسه میانگین هویت ملی و ابعاد آن در بین پاسخگویان با توجه به وضعیت بومی یا غیربومی بودن آن‌ها

متغیر	وضعیت	تعداد پاسخ‌گویان	میانگین هویت ملی و ابعاد آن	انحراف معیار	T	Sig
هویت ملی (کلی)	بومی	۲۴۷	۸۵/۰۲	۱۸/۷۷	۰/۵۰۴	۰/۶۱۵
	غیربومی	۱۵۳	۸۴/۰۸	۱۷/۰۱		
بعد سرزمینی	بومی	۲۴۷	۲۵/۲۵	۴/۴۷	۱/۶۲	۰/۱۰۴
	غیربومی	۱۵۳	۲۴/۴۷	۴/۹۱		

۰/۹۸	۰/۰۲۶	۴/۶۵	۱۹/۴۰	۲۴۷	بومی	بعد سیاسی
		۵/۱۱	۱۹/۳۹	۱۵۳	غیربومی	
۰/۴۱۶	۰/۸۱۵	۲/۹۴	۱۶/۶۶	۲۴۷	بومی	بعد تاریخی
		۳/۰۳	۱۶/۴۱	۱۵۳	غیربومی	
۰/۳۲۵	۰/۹۸۵	۴/۳۸	۲۵/۸۴	۲۴۷	بومی	بعد فرهنگی
		۴/۵۳	۲۵/۳۹	۱۵۳	غیربومی	

نتایج هم‌چنین نشان داد هیچ‌گونه تفاوت معناداری در هویت ملی دانشجویان زن دانشگاه یاسوج با توجه به پایگاه اجتماعی - اقتصادی (با سطح معناداری ۰/۰۶۳) و مقطع تحصیلی آن‌ها (با سطح معناداری ۰/۶۸۹)؛ وجود نداشته است. هم‌چنین، هیچ‌گونه تفاوت معناداری در هویت ملی دانشجویان مرد دانشگاه یاسوج با توجه به پایگاه اجتماعی - اقتصادی آن‌ها (با سطح معناداری ۰/۰۶۵۰)؛ و مقطع تحصیلی (با سطح معناداری ۰/۷۹۲) وجود نداشته است. این نتایج می‌تواند نشان‌گر نوعی همگونگی نسبی در وضعیت هویت ملی افراد جامعه‌ی مورد مطالعه باشد.

آماره‌های مندرج در جدول ۳ نیز نشان می‌دهد فقط در بعد «سیاسی» هویت ملی؛ با توجه به سطح معناداری (۰/۰۲۴) تفاوتی معنادار بین زنان و مردان پژوهش وجود داشته است.

جدول ۳: نتایج مقایسه‌ی میانگین تفاوت زنان و مردان پژوهش در هویت ملی و ابعاد آن

Sig	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنس	متغیر وابسته
۰/۱۲۹	۱/۵۲۱	۱۲/۰۹	۸۷/۵۳	۲۱۳	زن	هویت ملی (کلی)
		۱۴/۰۸	۸۵/۵۴	۱۸۷	مرد	
۰/۳۴۰	۰/۹۵۶	۴/۱۶	۲۵/۱۶	۲۱۳	زن	بُعد سرزمینی
		۵/۱۶	۲۴/۷۱	۱۸۷	مرد	
۰/۰۲۴	۲/۲۷۰	۴/۸۵	۱۹/۹۱	۲۱۳	زن	بُعد سیاسی
		۴/۷۴	۱۸/۸۱	۱۸۷	مرد	
۰/۶۱۶	-۰/۵۰۳	۳/۰۴	۱۶/۵۰	۲۱۳	زن	بُعد تاریخی
		۲/۹۰	۶۹/۶۵	۱۸۷	مرد	
۰/۱۸۸	۱/۳۱۹	۳/۹۱	۲۵/۹۴	۲۱۳	زن	بُعد فرهنگی
		۴/۹۶	۲۵/۳۵	۱۸۷	مرد	



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این مقاله بر آن بوده است تا نقش تفاوت‌های جنسیتی در هویت ملی و ابعاد آن را در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج بررسی نماید. در کنار آن، برخی متغیرهای زمینه‌ای نیز مورد بررسی قرار گرفتند. معنادار نشدن رابطه‌ی بین وضعیت بومی - غیربومی دانشجویان، از یک‌سو، و هویت ملی و ابعاد آن، از سوی دیگر، نشان‌گر نوعی همگونی در بین وضعیت هویتی دانشجویان دانشگاه یاسوج است. اگرچه بخش قابل توجهی از دانشجویان پاسخگوی، بومی استان کهگیلویه و بویراحمد بوده‌اند، نبود تفاوت معناداری آن‌ها نشان‌گر نوعی تعامل و تجربه‌ی مشترک و همسان نسل جوان دانشجو با نمادها و آموزه‌های هویتی و به‌ویژه هویت ملی است. رسانه‌های جمعی نوین و فضای مجازی که برنامه‌ها و آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی را به‌صورت فراگیر منتشر می‌کنند، در شکل‌گیری این تجربه‌ی مشترک نقش دارد و در دنیای کنونی، این فضا و تجربیات مرتبط با آن همگانی است. هم‌چنین نبود تفاوت معنادار بین هویت ملی دانشجویان با توجه به پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مقطع تحصیلی نشان‌دهنده‌ی همانندی نسبی در هویت ملی دانشجویان زن و مرد است. بین ابعاد «تاریخی»، «سرزمینی» و «فرهنگی» هویت ملی دانشجویان زن و مرد تفاوت معناداری وجود نداشته است. همان‌گونه که از محتوای چنین ابعادی پیداست، هر سه بُعد به گونه‌ای روح جمعی ملی را شکل داده و تقویت می‌کنند و در این میان، تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین زنان و مردان - با وجود تجربه‌های مشترک آن‌ها در عرصه‌های گوناگون اجتماعی - نمی‌توان انتظار داشت. این روح جمعی برآمده از تجربه‌ی مشترک در پرتو فناوری‌های ارتباطی فراگیر، آموزش مشترک و مصرف فرهنگی نسبتاً همانند، نوعی از ایستارها و باورهای مشترک و همگون را در مورد هویت ملی و «ما»ی جمعی و ملی پدید می‌آورد. مجموعه‌ی دگرگونی‌ها در دهه‌های اخیر که همراه با افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های آموزشی، اجتماعی و تا حدودی سیاسی بوده است؛ تفاوت‌های جنسیتی را تا حد قابل توجهی کاهش داده است. در گذشته، به‌ویژه در مناطقی با بافت سنتی همچون استان کهگیلویه و بویراحمد، تفکیک و تمایزات جنسیتی به شکل آشکار در نوع فعالیت‌های زنان و مردان وجود داشت؛ به گونه‌ای که تحصیل به‌ویژه در مقاطع دانشگاهی، فعالیت اقتصادی، اجتماعی و به ویژه فعالیت بیرون از منزل و فعالیت‌های سیاسی، کاری مردانه تلقی می‌شد و زنان، کم‌تر در این حوزه‌ها مشارکت داشتند. به تبع چنین وضعیتی؛ و به

دلیل فرصت کم و یا نبود فرصت تجربه‌ی فعالیت‌های اجتماعی در بیرون از کانون خانواده و تأثیر نپذیرفتن از آموزه‌های زندگی مدرن شهری، ایستارها و باورهای آن‌ها نیز تا حد زیادی متفاوت از مردان بوده است، به گونه‌ای که ایستارها و باورهای آن‌ها بیشتر متمرکز بر ابعاد درون‌گروهی و سنتی بود. در شرایط کنونی که نزدیک به ۷۰ درصد از پذیرفته‌شدگان آزمون سراسری در سالیان اخیر زنان بوده‌اند؛ و آن‌ها همگام با مردان در مراکز آموزشی و دانشگاهی حضور دارند و در پرتو آن، از محصولات فرهنگی و فناوری بهره می‌گیرند و با افکار و اندیشه‌های گوناگون آشنا می‌شوند، فاصله‌ی سنتی بین مردان و زنان تا حد زیادی برطرف شده و در نوع باورها و ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی، تفاوت‌های جنسیتی کم‌تر از گذشته بروز می‌یابد. با این وجود، در بُعد سیاسی هویت ملی تا حدودی تفاوت معنادار بین زنان و مردان وجود دارد. همان‌گونه که از داده‌ها بر می‌آید، زنان در مجموع، بیش از مردان از نمره‌ی هویت ملی در بُعد سیاسی برخوردارند. این وضعیت نشان می‌دهد که رویکرد هم‌نویانه و حمایتی زنان در قبال وضعیت سیاسی جامعه‌ی ایرانی از مردان بیشتر است و به گونه‌ای، از مشارکت بیشتر در ساختار سیاسی حمایت کرده‌اند؛ در مقابل مردان روحیه‌ی انتقادی بیشتری نسبت به وضعیت سیاسی جامعه دارند. این مقاله تفاوت‌های جنسیتی در هویت ملی دانشجویان را بررسی کرده است؛ پیشنهاد می‌شود این پژوهش درباره‌ی اقشار دیگر، به‌ویژه دانش‌آموزان دختر و پسر، زنان و مردان کارمند، و سایر گروه‌های اجتماعی انجام گیرد تا تفاوت‌های جنسیتی در لایه‌های گوناگون جامعه، مورد واکاوی قرار گیرد. هم‌چنین، با توجه به این‌که ۱۸/۳ درصد از زنان در بُعد فرهنگی، و ۱۵ درصد از مردان در بُعد سیاسی، از هویت ملی پایینی برخوردار بوده‌اند؛ پیشنهاد می‌شود نسبت به ترویج آموزه‌هایی که به تقویت هویت ملی یاری می‌رسانند، به‌ویژه برای دانشجویان، اهتمام جدی شود.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۹۰)؛ *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ج ۲.
- توکلی، نیره (۱۳۸۲)؛ «فرهنگ و هویت جنسی با نگاهی به ادبیات ایران»، *نامه‌ی انسان‌شناسی*، دوره‌ی اول، ش ۳، صص ۷۰-۳۱.
- جوادی یگانه، محمدرضا؛ کوثری، مسعود؛ خیرخواه، طاهره (۱۳۹۱)؛ «تلفن همراه و کارکردهای آن برای کاربران ایرانی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، دوره‌ی اول، ش ۲، صص ۵۴-۲۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳.
- رابرتسون، یان (۱۳۸۰)؛ *درآمدی بر جامعه*، ترجمه‌ی حسین بهروان، مشهد: آستان قدس رضوی، ج ۲.
- رضوی‌دینانی، ابتسام؛ شریفی، هادی؛ علی‌بخشی، مجتبی (۱۳۸۹)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر هویت ملی جوانان؛ مطالعه‌ی موردی شهر اراک»، *ماهنامه‌ی مهندسی فرهنگی*، س ۴، ش ۳۹ و ۴۰، صص ۴۷-۳۰.
- سفیری، خدیجه؛ غفوری، معصومه (۱۳۸۸)؛ «بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده، پژوهش جوانان»، *فرهنگ و جامعه*، ش ۲، صص ۲۷-۱.
- سفیری، خدیجه؛ معماربانی، زهره (۱۳۸۹)؛ «بررسی هویت (دینی و ملی) دختران و پسران متوسطه، با تأکید بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده (مطالعه‌ی موردی مناطق دو یازده تهران)»، *فصلنامه خانواده و پژوهش*، س ۷، ش ۱۱، صص ۳۲-۷.
- سلیمانی‌نیا، لیلا (۱۳۸۶)؛ «تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر»، *فصلنامه‌ی مطالعات جوانان*، س ۴، ش ۹ و ۸، صص ۸۶-۷۳.
- کاستنلر، مانوئل (۱۳۸۰)؛ *عصر اطلاعات (جلد دوم: قدرت هویت)*، ترجمه‌ی علی پایا، تهران: طرح نو.
- کمالی‌اردکانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)؛ *بحران هویت و عوامل تشدید آن در ایران: رویکرد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی به هویت و بحران هویت در ایران*، تهران: پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- گوردزی، حسین (۱۳۸۱)؛ *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*، تهران: تمدن ایرانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)؛ *تجدد و تشخیص*، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مدیری، فاطمه؛ آزادارمکی، تقی (۱۳۹۱)؛ «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در رفاه ذهنی ایرانیان»، *مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، س ۱۰، ش ۲، صص ۲۴۲-۲۲۵.
- منتظر قائم، محمدمهدی (۱۳۷۷)؛ «رسانه‌های جمعی و هویت»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۴، صص ۷۶-۴۵.
- نوروزی، لادن (۱۳۸۳)؛ «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی»، *پژوهش زنان*، دوره‌ی ۲، ش ۱، صص ۱۷۸-۱۶۵.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)؛ «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۸، صص ۴۲-۱۱.
- Adelman, M., & Ruggi, L. (2015); "The beautiful and abject: gender, identity and construction of body in contemporary Brazilian culture", *Current Sociology*, July 2008; Vol 56, No 4, PP 555-586.



- Albrecht, A. (1987); *Social; Psychology*, Englewood Cliffs and New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Archer, S. (1993); *Multiple Group Identities: Differentiation, Conflict and Integration*, In J. Kroger (Ed). Discussion on Ego Identity. Hillsdale. NJ, Erlbaum, PP 73-99.
- Archer, S. L., & Waterman, A. S. (1990); "Varieties of diffusions and foreclosures: An exploration of subcategories of the identity statuses", *Journal of Adolescent Research*, Vol 5, No 2, PP 96-111.
- Brooks, J. H., & DuBois, D. L. (1995); "Individual and environmental predictors of adjustment during the first year of college", *Journal of College Student Development*, Vol 36, No 2, PP 347-360.
- Buckler, L. M (2005); *Gender Differences in Identity and Intimacy Development*, Ph.D. dissertation, Advisor: Dr. Gerald R. Adams, University of Guelph, April 8, 2005.
- Chodorow, N. (1997); *The Psychodynamics of the Family in: Linda Nicholson (Ed.)*, The Second Wave, New York and London: Rutledge, 1997.
- Eriksson, E. H. (1968); *Identity: Youth and Crisis*, New York; W.W. Norton.
- Franceschelli, M., & O'Brien, M. (2015); "Being modern and modest: South Asian young British Muslims negotiating multiple influences on their identity", *Ethnicities*, Vol. 15, No ISSUE 5, PP 146-175.
- Hall, S. (2000); *Who needs Identity?*, In: Gray and Evans and Redman, PP 15-30.
- Heise, David, R. (1998); *Conditions for Empathic Solidarity*, In Patrick Doreian & Thomas Fararo. The Problem of Solidarity, Theories and Models. Amsterdam: Gordon and Breach publishers.
- Kammeyer, K. C. W. (1989); *Sociology*, Boston and London: Allyn and Bacon.
- McConnell, J. V., & Philipchalk, R. P. (1992); *Understanding Human Behavior*, Orlando: HBJ Publishers.
- Miller, D. (1995); *On nationality*, Oxford: Clarendon Press.
- Purdie, N., & Wilss, L. (2007); "Australian National Identity: Young Peoples, Conceptions of What It means to be Australian", *National Identities*, Vol. 9, No. 1, PP 67-82.
- Shaffer, David R. (1993); *Developmental Psychology*, Pacific Grove: Brooks/Cole Publishing Company.
- Smith, A. D. (1991); *National Identity*, London: Penguin.
- Thompson, A. (2001); "National Identities and Human Agency", *The Sociological Review*, Vol 49, No 1, PP 67-87.
- Tong, R. (1997); *Feminist Thought*, London: Rutledge.
- Turner, J. C. (1982); *Towards a Cognitive redefinition of the social group*, In H. Tajfel (Ed) social identity and inter group relations, Cambridge university press.
- Vyncke1, V., Hardyns, W., Peersman, W., Pauwels, L., & Williams, S. (2014); "How equal is the relationship between individual social capital and psychological distress? A gendered analysis using cross-sectional data from Ghent (Belgium)", *BMC Public Health*, Retrived from < <http://www.biomedcentral.com/1471-2458/14/960>.
- Yarnell, L. M., Stafford, R. E., Kristin D. Neff, K. D., Erin D. Reilly, E. D., Knox' M. C., & Mullarkey, M. (2015); "Meta-Analysis of Gender Differences in Self-Compassion", *Self and Identity*, Vol. 14, No 5, PP 499-520.

